

واکاوی توزیع زیرساخت‌های گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی مبتنی بر رویکرد عدالت اجتماعی (مورد مطالعه: دهستان دیناچال شهرستان رضوانشهر)

محمد رضا سلیمی سبحان^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، پژوهشگاه علوم انتظامی و اجتماعی ناجا، تهران، ایران

فرهاد جوان

دکتری گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

نحوه توزیع خدمات و امکانات در سکونتگاه‌های روستایی از یک سو درجه توسعه‌یافتگی و برخورداری متناسب این نواحی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نشانگر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری غیرمتمرکز است و تا حد زیادی می‌تواند رابطه مستقیمی با پایداری نواحی روستایی داشته باشد. بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی لزوم توزیع متعادل و عادلانه خدمات به سکونتگاه‌های روستایی و به ویژه محروم ضروری است. از این رو پژوهش حاضر باهدف واکاوی توزیع زیرساخت‌های گردشگری با رویکرد عدالت اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان دیناچال شهرستان رضوانشهر تدوین شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام، توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش جامعه آماری، روستاهای دهستان دیناچال (۲۴ روستا) در شهرستان رضوانشهر است. در این تحقیق سطح برخورداری سکونتگاه‌های روستایی با ۸ شاخص کلی در ۲۸ شاخص جزئی صورت گرفت. با بهره‌گیری از مدل ویکور و تحلیل خوشه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. برای وزن دهی شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون استفاده گردید و جهت تحلیل داده‌ها و اطلاعات از مدل ویکور و تحلیل خوشه‌ای در GIS و Excel استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که نخست، نحوه توزیع خدمات و امکانات در روستاهای محدوده مورد مطالعه متفاوت است به طوری که روستای اردجان (۰.۰۸۶) برخوردارترین و روستای کیش خاله (۰.۹۹۶) محروم‌ترین روستای دهستان به لحاظ شاخص‌های توسعه محسوب شد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای نشان داد که ۴ روستا (۱۷ درصد) در وضعیت برخوردار، ۱۴ روستا (۵۸ درصد) در وضعیت نیمه برخوردار و ۶ روستا (۲۵ درصد) در وضعیت محروم از لحاظ شاخص‌های توسعه قرار دارند.

کلیدواژگان: خدمات، سکونتگاه‌های روستایی، گردشگری، عدالت اجتماعی، شهرستان رضوانشهر.

مقدمه

روند توسعه در مناطق و استان‌های کشور، در اثر ناکارآمدی نگرش‌های بخشی، منجر به شکل‌گیری چند قطب رشد و به حاشیه رفتن برخی مناطق و نواحی مستعد و در کلامی گویاتر بروز عدم تعادل‌های گاه فاحش در سرزمین و در نهایت ایجاد تمرکز جمعیت و فعالیت به شکلی نامتوازن شده است. چنین دیدگاه‌هایی به طور بدیهی در قبال ظرفیت‌سازی‌های پرهزینه در قطب و ایجاد اشتغال‌های القایی در آن مناطق و گسیل نیروی بیکار مانده عملاً به نابارور ماندن پتانسیل‌های حاشیه‌ها، مهر تأیید زده است (سند آمایش سرزمین شهرستان الیگودرز، ۱۳۹۵: ۲).

اساساً حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده‌ی نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چرا که توسعه سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاها در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد و اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاها روستایی وقفه‌ای ایجاد شود آثار و پیامدهای آن نه تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری و در نهایت کلیت سرزمین را در بر خواهد گرفت (افراخته و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۴).

در طی دهه‌های اخیر بروز نابرابری و عدم توجه به روستاها در درون نواحی، موج ضعف و تسریع روند نابودی این کانون‌های سکونتگاه‌های و بالطبع ایجاد عدم تعادل فضایی درون ناحیه و یک سویه شدن جریان خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون‌های شهری گردیده است. بدین ترتیب سکونتگاه‌های روستایی با دامنه‌ی حداکثری از فقر، نابرابری و عقب‌ماندگی مضاعف در قیاس با دیگر مراکز جمعیتی کشور نیازمند برنامه‌ریزی و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب جهت گسستن زنجیره فقر، بی‌عدالتی فضایی و بهبود رفاه اجتماعی هستند (تیموری و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۴). وجود نابرابری‌های کمی و کیفی میان عرصه‌های شهری و روستایی و تشدید آن‌ها طی دهه‌های اخیر، ضرورت جستجو برای راه‌های خروج از مسئله و تعدیل نابرابری‌ها را به طور جدی مطرح ساخته است. تضاد میان جنبه‌های کیفی زندگی در روستاها و شهرها و در پی آن جابه‌جایی مکانی و مهاجرت از روستا به شهر به امید برخورداری از امکانات متنوع‌تر و تسهیلات مناسب‌تر زیستی نه تنها در حوزه روستایی که در حوزه‌های شهری نیز باعث مسایل و معضلاتی گوناگون شده است. نهایتاً این روند به بهای فروپاشی نظام زیستی - فضایی سکونت‌گاه‌های روستایی و هم به زیان مناطق شهری چنان تشدید شده است که توجه جدی به برنامه‌ریزی توسعه در محیط‌های روستایی را می‌طلبد (سعیدی، ۱۳۸۸).

بنابراین با توجه به اهمیت سکونتگاه‌های روستایی در تولید و امنیت غذایی لزوم توسعه شاخص‌های انسانی در این نواحی از اولویت و ضروریات است، که عدم توجه به توزیع عادلانه خدمات کاهش توان این مناطق را سبب می‌شود و ادامه‌ی این روند، کاهش تولیدات در سطح ملی، افزایش مهاجرت‌ها و به تبع آن ناپایداری اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی را دنبال خواهد داشت. گستردگی نقاط روستایی کشور از یک سو و پراکندگی آن‌ها از سوی دیگر، توجه بیشتر سیاست‌گذاران را به این مسئله می‌طلبد. زیرا در غیر این صورت شاهد مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهرها و افزایش حاشیه‌نشینی، بزهکاری و سایر چالش‌ها را در این نواحی موجب می‌شود. بنابراین هدف از مقاله حاضر تحلیل توزیع زیرساخت‌های گردشگری با رویکرد عدالت اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان دیناچال شهرستان رضوانشهر است و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است، که

روستاهای گردشگرپذیر دهستان مورد مطالعه نسبت به شاخص‌های توسعه از چه سطح و وضعیتی برخوردار هستند؟

پیشینه پژوهش

در زمینه تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی کشور تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است، اما در رابطه با توزیع خدمات و برخورداری نواحی روستایی در محدوده مورد مطالعه پژوهشی به انجام نرسیده است. در ادامه به نتایج برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

جوان و همکاران سال ۱۳۹۹ پژوهشی با عنوان توسعه پایدار، در گرو رعایت قوانین مهندسی جغرافیایی فضا مورد: روستاهای گردشگرپذیر ناحیه رضوانشهر به انجام رساندند نتایج تحقیق نشان داد که نخست، درجه توسعه‌یافتگی در روستاهای مورد مطالعه متفاوت است به طوری که روستای پونل (۰.۸۳۱۴) برخوردارترین و روستای زندانه (۰.۰۹۵۲) کمتربرخوردارترین روستای مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های توسعه‌ای محسوب شد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای نشان داد که ۵ روستا (۱۶ درصد) در وضعیت برخوردار، ۱۵ روستا (۵۰ درصد) در وضعیت نیمه برخوردار و ۱۰ روستا (۳۴ درصد) در وضعیت برخوردار کم از لحاظ شاخص‌های توسعه قرار دارند. بنابراین، لازم است در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای به قوانین مهندسی جغرافیایی فضا توجه لازم مبذول گردد. ریاحی و جوان سال ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان تحلیل و طبقه‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی در راستای برنامه‌ریزی راهبردی نواحی روستایی شهرستان تالش نشان دادند که نخست دهستان‌هایی که از ارتباط بیشتر و مناسب‌تری با مرکز شهرستان برخوردارند، از ضریب توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردارند. سپس دهستان حویق بالاترین و دهستان‌های اسالم و کوهستانی تالش پایین‌ترین میزان توسعه‌یافتگی را داشته‌اند. در نهایت این تحقیق نشان داد که نابرابری و ناهمگنی از نظر توزیع شاخص‌ها در ناحیه مورد بررسی صورت گرفته است. صالح‌پور و افرخته سال ۱۳۹۵ در پژوهشی با عنوان تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت فضایی نشان دادند که سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های ارومیه و خوی در هر دو مدل بار تبه ۱ و ۲ با وضعیت مطلوب در سطح اول و دوم قرار گرفته و سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های سلماس، مهاباد، تکاب، پیرانشهر، نقده، شاهین‌دژ، سردشت، اشنویه، چالدران با کسب رتبه‌های ششم تا چهاردهم در سطح چهارم جای گرفته‌اند. یاسوری و همکاران سال ۱۳۹۵ پژوهشی با عنوان عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان به انجام رساندند نتایج نشان داد که دهستان‌های سراوان، کلیشم و گل سفید بیش‌ترین میزان دسترسی و دهستان‌های کوهستانی تالش، شوئیل و اشکور علیا محروم‌ترین دهستان‌ها از نظر دسترسی به امکانات و خدمات روستایی بوده‌اند؛ بر اساس شاخص‌های مورد بررسی، فاصله‌ی بین دهستان‌های محروم و برخوردار به طور تقریبی بین ۲ تا ۱۰ برابر در نوسان بوده است. این وضعیت نشان‌دهنده نابرابری شدید فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات در سطح دهستان‌های استان گیلان است. مهدوی و امیری سال ۱۳۹۵ پژوهشی با عنوان ارزیابی و سطح‌بندی روستاهای شهرستان کیار بر اساس میزان بهره‌مندی از شاخص‌های خدماتی و زیرساختی انجام دادند یافته‌ها نشان داد که وضعیت روستاهای مورد مطالعه به لحاظ دسترسی به خدمات و برخورداری از سطح توسعه‌یافتگی به طور نابرابر و نامتجانس می‌باشند به گونه‌ای که از مجموع کل روستاهای مورد مطالعه، تعداد ۴

روستا شامل روستای دستگرد و امامزاده، دزک و خراجی به ترتیب با امتیازهایی برابر با ۸.۴۷، ۸.۰۳ و ۶.۵۱ جزء روستاهای با بهره‌مندی از خدمات درجه یک و بیشتر می‌باشند و فاصله بسیار زیادی با سایر روستاها ایجاد کرده‌اند. میسر^۱ و همکاران سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان اثر سیاست‌های کشاورزی بر نابرابری درآمد منطقه‌ای در میان خانواده‌های مزرعه‌ای نشان دادند که توزیع درآمد در میان خانوارهای مزرعه در منطقه ریم فریت بالاتر از سطح پراکندگی برای تمام خانوارهای مزرعه ایالت متحده است. با این حال، نابرابری درآمد در منطقه هارت لند کمتر از سطح پراکندگی برای تمام خانوارهای مزرعه ایالت متحده است. در نهایت، درآمد حاصل از برنامه‌های مزرعه دولتی، باعث کاهش نابرابری درآمد کلی در مناطق گرمسیری و شمال پلینز شد. گاستافسون و سائی^۲ سال ۲۰۰۹ در مقاله با عنوان رتبه، درآمد و نابرابری درآمد در مناطق روستایی چین نشان دادند که تحصیلات، سن و جنسیت به شدت بر احتمال اشتغال به عنوان یک کارگر با رتبه بالا موثر است. نابرابری درآمد نسبتاً کمی در میان کارگران بالا و همچنین در میان کارگران رده متوسط وجود دارد. متوسط درآمد و ثروت خانوار در سرانه کارگران با رتبه بالا نسبت به سایر بخش‌های جمعیت مورد مطالعه مثبت‌تر بود و درآمد شخصی در سال ۲۰۰۲ نسبت به سال ۱۹۹۵ نسبت به سال قبل بیشتر است. کارگران دارای رتبه بالا و به میزان کم کارگران از رتبه‌های متوسط، از میان برنده‌ها از لحاظ اقتصادی، درحالی‌که دسته‌های غیرقانونی به طور فزاینده‌ای بزرگ از دست رفته است. نرخ بازگشت به آموزش افزایش یافته است، اما تجزیه و تحلیل عملکرد درآمد نشان می‌دهد که این تنها توضیح جزئی برای افزایش درآمد مطلوب برای کارگران رده بالا و متوسط است. شین^۳ سال ۲۰۱۲ پژوهشی با عنوان نابرابری درآمد و رشد اقتصادی انجام دادند نتایج نشان داد که هر دو ممکن است - یعنی نابرابری بالاتر می‌تواند رشد را در مرحله اولیه توسعه اقتصادی متوقف کند و می‌تواند رشد را در یک وضعیت تقریباً پایدار تشویق کند؛ (۲) توزیع مجدد درآمد توسط مالیات بر درآمد بالا همیشه نابرابری را کاهش نمی‌دهد نابرابری درآمد را می‌توان با مالیات بر درآمد بالاتر در یک دولت نزدیک به پایدار کاهش داد، اما در مرحله اولیه توسعه اقتصادی نمی‌تواند کاهش یابد و (۳) دو سیاست دولت - رشد سریع اقتصادی و نابرابری کم درآمد - مالیات بر درآمد در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، اما هر دو به طور همزمان نمی‌توانند در یک وضعیت تقریباً ثابت بمانند.

مبانی نظری

بررسی‌های مرتبط با توسعه روستایی غالباً در چارچوب برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و توسعه ناحیه‌ای به بحث گذاشته می‌شود. نظریه‌های توسعه ناحیه‌ای، به طور عام پس از جنگ جهانی دوم به عنوان نگرش‌هایی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع بهینه و موثرتر منابع و امکانات و رفاه و ثروت، تخصیص مجدد منابع، رشد متوازن تر نواحی و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای مطرح بود و روزه‌روز مورد توجه بیشتر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه قرار گرفت. از پیشگامان نظریه‌های توسعه ناحیه‌ای، افرادی چون: والتر ایزارد، گونار میردال، فرانسوا پرو، هیرشمن، جان فریدمن^۴ و از این دست را می‌توان نام برد (قنبری هفت‌چشمه و همکاران، ۱۳۸۴: ۴).

^۱- Mishra

^۲- GUSTAFSSON & SAI

^۳- Shin

^۴- Wizard, Myrdal, Perroux, Hirschman, Friedman

سازمان‌دهی فضا یکی از ابعاد تعیین‌کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است. عدالت فضایی ارتباط‌دهنده عدالت اجتماعی و فضا است. ازینرو تجزیه و تحلیل برهمکنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نحوه تنظیم سیاست‌هایی برای کاهش یا حل آن‌ها ضروری است. آن در واقع پیوندگاهی است که مفهوم عدالت اجتماعی توسعه داده شده است مفهوم عدالت فضایی باعث به وجود آمدن چندین دیدگاه در حوزه علوم اجتماعی شده است. بنابراین کاری که چند فیلسوف مشهور عدالت انجام داده‌اند، دو دیدگاه متقابل عدالت، بحث‌های مربوط به این موضوع را دوقطبی کرده‌اند: یکی بر روی موضوع توزیع مجدد متمرکز می‌شود و دیگری روی فرایندهای تصمیم‌گیری متمرکز می‌شود (یغفوری، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

سیاست‌ها و خط‌مشی‌های توسعه در کشورهای جهان سوم موجبات توزیع ناعادلانه منافع رشد و توسعه اقتصادی و به تبع آن ساختار فضایی قطبی را فراهم آورد (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲). پیتر هال^۱ معتقد است مهم‌ترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه‌ای به منظور کاهش نابرابری‌های آن، ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجر فرستی در ناحیه کمک می‌کند و رشد و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت (بهرامی، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۷). دیوید اسمیت از نخستین جغرافیدانانی بود که اولین کار نظام‌یافته را در خصوص کیفیت زندگی، رفاه و عدالت در جغرافیا انجام داد. بحث در خصوص فضا و نابرابری اجتماعی از جانب رابرت پارک صورت گرفته است. وی با توجه به ماهیت نابرابری فضای شهری به نقش ویژه سلطه در ایجاد این فضای نابرابر نیز اشاره کرد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

توجه به عدالت اجتماعی^۲ به حدی مهم است که حتی در مفاهیم مربوط به توسعه پایدار و عدالت محیطی تأکید شدیدی به راهبرد فقرزدایی می‌شود، عدالت اجتماعی و برابری زندگی از مهم‌ترین جنبه‌های پایداری است و این پایداری از معیارهای مهم زندگی مانند: بهداشت عمومی و سلامت، دسترسی به آموزش، مراقبت بهداشتی، شغل رضایت‌بخش، فرصت‌هایی برای پیشرفت شخصی و اجتماعی، فرهنگ، زندگی اجتماعی و تفریح، تسهیلات محیطی و برابری‌های زیباشناختی تشکیل می‌شود (حاتمی نژاد، ۱۳۹۱: ۴۴).

رابرت پاتنام^۳ (۲۰۰۰) عدالت اجتماعی را برابری تعهدات و مسئولیت‌های مدنی در میان یک جامعه و برابری گستردگی مشکلات در میان گروه‌های مختلف جامعه تعریف می‌کند (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۶). دیوید هاروی^۴ نویسنده کتاب ارزشمند "تبیین در جغرافیا"، "عدالت اجتماعی و شهر و عدالت"، "طبیعت و جغرافیای افتراق، به‌کارگیری عدالت اجتماعی را در تحلیل‌های جغرافیایی، انقلاب در اندیشه‌های جغرافیایی می‌داند (حکمت نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

جدول ۱. طبقه‌بندی نظریه‌های عدالت اجتماعی در دیدگاه‌های مختلف

نظریه‌های عدالت اجتماعی	اهداف	ابزار و روش‌های اصلی
حفظ منابع طبیعی (محیط طبیعی)	فرصت‌ها برای همه فراهم است، ماهیت نظم در جامعه وجود دارد و فقط عده‌ای می‌توانند سودمند شوند.	حفظ وضعیت چرخه اجتماعی، طبقه و باز تولید
پیشرفت فرد به منظور به حداکثر رساندن ظرفیت‌های اقتصادی		

^۱ - Peter Hall

^۲ - Social justice

^۳ - Robert Putnam

^۴ - David Harvey

محیط‌گرایی نو	فرد به منظور باز پیشرفت فرد پس توجه به منافع فرد، موجب منافع اجتماعی و پیشرفت‌های جامعه از طریق افزایش تولید می‌شود و از هدر رفتن استعدادهای جلوگیری می‌کند.	استفاده از سرمایه انسانی - مدیریت‌گرایی
لیبرالیسم نو	انتخاب فردی، محرومیت اجتماعی شکستی است که در روابط میان فرد و جامعه از طریق مسائل تخصیص منابع از سیر روابط قدرت یا هویت فرهنگی - اجتماعی به وجود می‌آید.	اعطای قدرت به بازار، عقلانیت اقتصادی و تعهد دو طرفه میان فرد و جامعه
لیبرالیسم و لیبرالیسم انسان‌گرا	عدالت توزیعی از طریق ساخت سیستم آموزشی قابل وصول در جهت از میان بردن بی‌عدالتی‌ها	بیان آسیب اجتماعی، تعدیل رقابت در منافع اجتماعی
سوسیالیسم و سوسیالیسم رادیکال	عدالت اجتماعی غلبه و تسلط هیچ گروهی نباید حمایت شود تا از توسعه جنگ نابرابر در درون سیستم ظالمانه جلوگیری شود.	سیستم اقتصادی به منظور تأثیر و تغییر در روابط اجتماعی، فرآیندهای نهادی باید عوض شوند.
اسلام	ایجاد توازن اجتماعی به منظور تحقق تکامل و تعالی انسان در مسیر توحید	کنترل مالکیت خصوصی و کنترل انباشت ثروت، اعطای قدرت به دولت و توازن میان مصالح فرد، جامعه و محیط‌زیست

منبع: شماعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱

اصطلاح عدالت فضایی^۱ تا چند سال تحت تأثیر مفاهیم عدالت سرزمینی، عدالت محیطی و کاهش بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای بود (Soja, 2008: 15)؛ به نقل از افراخته و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). برای برخی عدالت فضایی دسترسی مساوی به تسهیلات در فاصله‌ای معین مانند مدرسه، امکانات بهداشتی یا فرهنگی و غیره است. در مفهوم برنامه‌ریزی تسهیلات عمومی، عدالت فضایی به معنای جدایی یا مجاورت فضایی به تسهیلات عمومی است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است: از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، کالبدی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی و امنیتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی یک کشور با شاخص‌های متناظر توسعه با آن در سطح ملی (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

با در نظر گرفتن اجزای فضاهای جغرافیایی و راهبرد مهندسی جغرافیایی این فضاها، تأمین عدالت فضایی در سطوح سرزمینی و درون سرزمینی با رعایت بهره‌گیری از توان‌ها و قابلیت‌های فضاهای جغرافیایی و در تمامی ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، نهادی مدیریتی و کالبدی فضایی می‌تواند به کاهش و از میان بردن نابرابری‌های منطقه‌ای (درون سرزمینی) کمک نماید و توزیع مطلوب جمعیت و فعالیت را در سرزمین فراهم نماید. عدم توجه به اصل عدالت فضایی در تهیه و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت منجر به برهم خوردن ساختار و سازمان فضایی در سطوح مختلف می‌گردد. به گونه‌ای که مهاجرت جمعیت و جابجایی مکانی مشکلات و مسایل و نیز پیچیدگی مشکلات از جمله پیامدهای بی‌توجهی و کم توجهی به این اصل خواهد بود (مولائی‌هشجین و صالحی - بابامیری، ۱۳۹۵: ۸).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق بنا بر هدف کاربردی است و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق، دهستان دیناچال بخش پره سر شهرستان رضوانشهر است. داده‌های مورد استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

^۱ - Space Justice

سال ۱۳۹۵ و فرهنگ آبادی های شهرستان رضوانشهر سال در ۱۳۹۰ اخذ شده است. شاخص های مورد استفاده در قالب ۸ شاخص کلی بخش آموزش، بخش فرهنگی و ورزشی، بخش مذهبی، بخش سیاسی و اداری، زیرساخت، بخش بهداشتی و درمانی، بخش بازرگانی و خدمات، بخش ارتباطات و حمل و نقل جمع آوری شده است. و این ۸ شاخص به ۲۸ زیر شاخص تقسیم شدند تا بتوان سطح برخورداری سکونتگاه های روستایی محدوده مورد مطالعه را مشخص نمود (جدول ۲). در نهایت برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها از مدل ویکور و تحلیل خوشه ای در نرم افزار Excel بهره گرفته شد. در آزمون تحلیل خوشه ای نیز تقسیم بندی روستاها در سه سطح (برخوردار، نیمه برخوردار و محروم) انجام شد.

جدول ۲. ابعاد و شاخص های تحقیق

ابعاد	شاخص ها
بخش آموزش	روستا مهد، دبستان، مدرسه راهنمایی پسرانه، مدرسه راهنمایی دخترانه
فرهنگی و ورزشی	بوستان روستایی، کتابخانه عمومی، زمین ورزشی، سالن ورزشی
بخش بهداشتی - درمانی	مرکز بهداشت، خانه بهداشت، پزشک، درصد بهورز
بخش سیاسی - اداری	شورای اسلامی، دهیار، شورای حل اختلاف، شرکت تعاونی روستایی
بخش بازرگانی - خدماتی	بقالی، نانوايي، تعمیرگاه کشاورزی
بخش ارتباطات و حمل و نقل	دفتر مخابرات، دفتر فناوری اطلاعات، دسترسی به اینترنت، دسترسی به وسیله نقلیه عمومی
بخش زیرساخت	برق، گاز لوله کشی، آب لوله کشی
بخش مذهبی	مسجد، امامزاده

منبع: فرهنگ آبادی های شهرستان رضوانشهر، ۱۳۹۰

مدل ویکور^۱: گام های روش ویکور به طور خلاصه در زیر آورده شده است: (۱) تشکیل ماتریس تصمیم گیری، (۲) محاسبه ماتریس نرمال (البته در برخی از مطالعات، این گام محاسبه نمی شود و مستقیم با اعداد غیر نرمال الگوریتم ادامه می یابد)، (۳) محاسبه ایده آل مثبت (f_i^+) و منفی (f_i^-)

$$f_i^* = \max_j f_{ij}; \quad f_i^- = \min_j f_{ij}$$

(۴) محاسبه شاخص مطلوبیت (S) و شاخص نارضایتی (R) برای هر گزینه، طبق فرمول زیر:

$$S_j = \sum_{i=1}^n w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-}; \quad R_j = \max_i \left[w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-} \right]. \quad W_j \text{ وزن معیار } j \text{ است.}$$

(۵) محاسبه شاخص ویکور که همان امتیاز نهایی هر گزینه و کمتر بودن آن، مطلوب تر است، با استفاده از رابطه زیر به دست می آید:

$$Q_j = v \cdot \frac{S_j - S^-}{S^* - S^-} + (1-v) \cdot \frac{R_j - R^-}{R^* - R^-} \quad \text{که در آن}$$

$$S^* = \min s_j, \quad S^- = \max S_j$$

^۱ - VIKOR

$$R^* = \min S_j, R^- = \max R_j$$

بیانگر نسبت فاصله از راه حل ایده آل منفی گزینه i ام و به عبارت دیگر موافقت اکثریت برای نسبت i ام است.
$$\left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*} \right]$$

بنابراین هنگامی که مقدار v بزرگ‌تر از $0/5$ باشد شاخص Q_i منجر به اکثریت موافق می‌شود. و هنگامی که مقدار آن کمتر از $0/5$ می‌شود شاخص Q_i بیانگر نگرش منفی اکثریت است. به طور کلی وقتی مقدار v برابر $0/5$ است. بیانگر نگرش توافقی متخصصان ارزیابی است.

- به دست آوردن سه فهرست مرتب شده از S و R و Q

جواب بهینه (سازشی) گزینه‌ای هست که کمترین Q را دارد، اگر دو شرط وجود داشته باشد:

الف) شرط اول برقراری رابطه زیر است:

$$Q(A^{(i)}) - Q(A^{(1)}) \geq DQ$$

که در آن $A^{(1)}$ و $A^{(2)}$ به ترتیب، گزینه‌های اول و دوم هستند و $DQ = \frac{1}{(i-1)}$ و i تعداد آلترناتیوها است.

در صورت نقض شرط اول هر دو گزینه در مجموعه جواب بهینه قرار می‌گیرند.

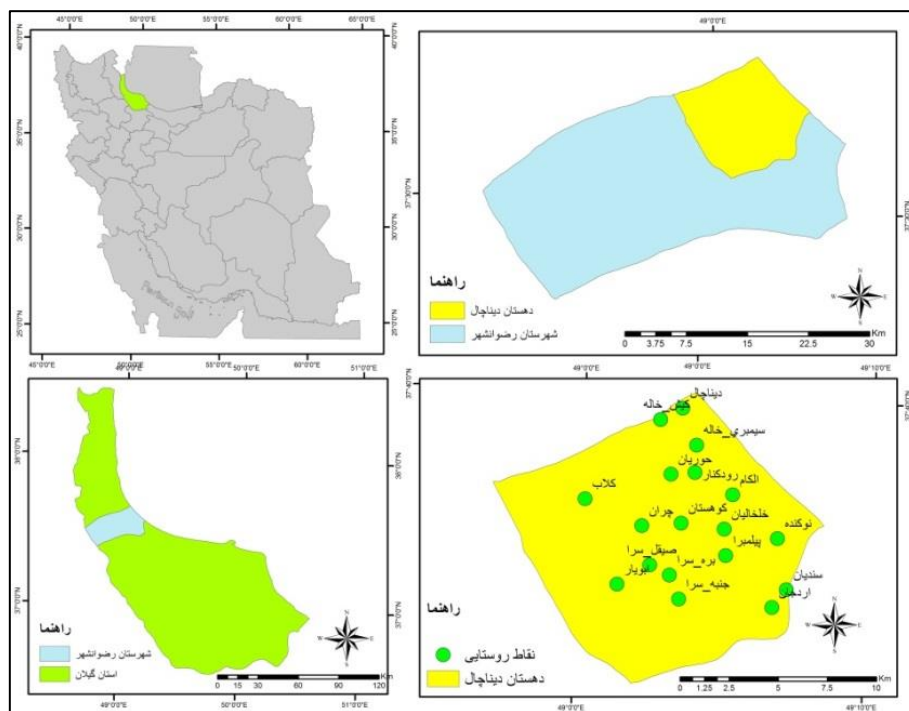
ب) شرط دوم، این است که $A^{(1)}$ باید همچنین از نظر S یا R نیز بهترین رتبه را داشته باشد.

در صورت نقض شرط دوم، مجموعه جواب بهینه، گزینه اول تا m ام را شامل خواهد شد به طوری که m باید در شرط زیر صدق کند (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶).

$$Q(A^{(m)}) - Q(A^{(1)}) < DQ$$

محدوده مورد مطالعه

دهستان دیناچال نام دهستانی در بخش پره سر شهرستان رضوانشهر، استان گیلان در ایران است. این دهستان در حد فاصل دریای خزر و ارتفاعات تالش قرار گرفته است. بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، جمعیت آن ۱۶۶۹۷ نفر (۵۲۹۰ خانوار) بوده است. دهستان دیناچال دارای ۲۴ روستای دارای سکنه است، اقتصاد دهستان دیناچال بر پایه کشاورزی، دامداری است و ساکنین روستایی این ناحیه از این راه امرار معاش می‌کنند. مهم‌ترین محصولات کشاورزی دیناچال برنج است که به صورت سنتی و نیمه سنتی کشت می‌شود.



شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و پراکنش روستاهای دهستان (منبع: ترسیم نگارندگان)

جدول ۳. تعداد جمعیت و خانوار سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	آبویار	۱۰۱	۳۴۹	۱۷۱	۱۷۸
۲	سنگده بالا	۱۵۵	۴۹۷	۲۵۴	۲۴۳
۳	مازوپشت	۱۶۴	۵۴۵	۲۷۳	۲۷۲
۴	چران	۱۹۱	۵۸۵	۲۸۲	۳۰۳
۵	کلاب	۵۱	۱۷۱	۸۵	۸۶
۶	کیش خاله	۲۴۴	۸۳۲	۴۱۷	۴۱۵
۷	کوهستان	۵۸۳	۱۸۷۲	۹۲۹	۹۴۳
۸	حوریان	۵۰۹	۱۵۳۷	۷۵۹	۷۷۸
۹	دیناچال	۱۴۲	۴۷۴	۲۴۰	۲۳۴
۱۰	رودکنار	۱۶۷	۵۲۹	۲۷۴	۲۵۵
۱۱	سیمبری خاله	۱۸۰	۵۳۶	۲۷۱	۲۶۵
۱۲	آلکام	۴۰۷	۱۲۷۶	۶۵۴	۶۲۲
۱۳	قلم باغ آلکام	۱۳۳	۳۷۹	۱۹۶	۱۸۳
۱۴	مقدمی محله آلکام	۶۹	۱۹۳	۹۸	۹۵
۱۵	خلخالیان	۲۳۰	۷۱۳	۳۵۱	۳۶۲
۱۶	نوکنده	۲۶۱	۷۵۰	۳۶۲	۳۸۸
۱۷	سندیان	۱۳۴	۳۸۸	۱۸۷	۲۰۱
۱۸	اردجان	۷۳۷	۲۴۰۸	۱۱۸۳	۱۲۲۵
۱۹	پیلمبرا	۸۰	۲۶۳	۱۴۰	۱۲۳
۲۰	جنبه سرا	۱۵۱	۴۹۴	۲۵۸	۲۳۶

۲۶۷	۲۴۷	۵۱۴	۱۶۱	بره سرا	۲۱
۲۸۸	۲۷۵	۵۶۳	۱۷۲	صیقل سرا	۲۲
۳۲۶	۳۱۶	۶۴۷	۲۰۸	سنگده پائین	۲۳
۹۲	۹۵	۱۸۷	۶۰	پیش محله	۲۴

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵

یافته‌های تحقیق

در تحقیق حاضر برای تعیین میزان برخورداری و توزیع زیرساخت‌های گردشگری در نواحی روستایی دهستان دیناچال از ۲۸ شاخص بهره گرفته شد، به طوری که ابتدا با استفاده از روش آنتروپی شانون، وزن و اهمیت هر یک از شاخص‌های مورد نظر محاسبه و بعد از تعیین وزن و اهمیت هر کدام از شاخص‌های انتخابی، از روش ویکور اقدام به سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی از لحاظ برخورداری گردیده است. بررسی نتایج محاسبات وزن شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون نشان داد بیش‌ترین وزن مربوط به شاخص‌های درصد روستاهای دارای مدرسه راهنمایی دخترانه و درصد روستاهای دارای مرکز بهداشت است. به ترتیب ۰.۱۸ و ۰.۱۰ و کمترین وزن مربوط به شاخص‌های درصد روستاهای دارای نانواپی و همه شاخص‌های مربوط به دسترسی به وسیله نقلیه، بقالی و زمین ورزشی ۰.۰۰ و ۰.۰۱ است. بر اساس یافته‌های تحقیق نابرابری و ناهمگنی از نظر توزیع شاخص‌ها مشهود است. امکانات زیربنایی (شامل آب، برق و گاز) به عنوان نیازهای اولیه زیستی انسان بشمار می‌آید، همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر آبادی‌های این منطقه فاقد امکانات زیربنایی می‌باشند. الگوی منطقه‌ای توسعه روستایی در سطح دهستان نشان می‌دهد روستاهایی که در همجواری شهر، یعنی در مسیر جاده‌های اصلی بین شهری قرار گرفته‌اند وضعیت بسیار مناسبی از شاخص‌های توسعه نسبت به سایر روستاها برخوردار هستند.

جدول ۴. وزن شاخص‌های به دست آمده در آنتروپی شانون

ردیف	شاخص	وزن شاخص
۱	روستا مهد	۰.۰۶
۲	دبستان	۰.۰۲
۳	مدرسه راهنمایی پسرانه	۰.۰۷
۴	مدرسه راهنمایی دخترانه	۰.۱۸
۵	بوستان روستایی	۰.۰۲
۶	کتابخانه عمومی	۰.۰۳
۷	زمین ورزشی	۰.۰۱
۸	سالن ورزشی	۰.۰۳
۹	مرکز بهداشت	۰.۱۰
۱۰	خانه بهداشت	۰.۰۲
۱۱	پزشک	۰.۰۵
۱۲	بهورز	۰.۰۲
۱۳	شورای اسلامی	۰.۰۲
۱۴	دهیار	۰.۰۲
۱۵	شورای حل اختلاف	۰.۰۳
۱۶	شرکت تعاونی روستایی	۰.۰۴

۰.۰۱	بقالی	۱۷
۰.۰۰	نانوایی	۱۸
۰.۰۴	تعمیرگاه کشاورزی	۱۹
۰.۰۲	دفتر مخابرات	۲۰
۰.۰۳	دفتر فناوری اطلاعات	۲۱
۰.۰۴	دسترسی به اینترنت	۲۲
۰.۰۱	دسترسی به وسیله نقلیه عمومی	۲۳
۰.۰۲	دارای برق	۲۴
۰.۰۶	دارای گاز	۲۵
۰.۰۲	دارای آب	۲۶
۰.۰۲	دارای مسجد	۲۷
۰.۰۳	دارای امامزاده	۲۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

وزن سطوح برخورداری هر یک از روستاهای دهستان دیناچال بر اساس مدل ویکور محاسبه شده و نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که این اوزان در میان سکونتگاه‌های روستایی دهستان در نوسان است. که پایین‌ترین آن با ۰.۹۹۶ مربوط به روستای کیش خاله و بالاترین آن با ۰.۰۸۶ مربوط به روستای اردجان است (جدول ۵). با استفاده از این روش به سنجش توزیع نامتعادل مقدار هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه در بین نقاط روستایی دهستان پرداخته شده است.

جدول ۵. محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ برخورداری

رتبه‌بندی نهایی	مقدار Q	نام روستا
۲۳	۰.۹۳۱	آبویار
۱۳	۰.۵۴۶	سنگده بالا
۲۲	۰.۸۹۶	مازوپشت
۲۱	۰.۸۲۲	چران
۲۰	۰.۷۸۶	کلاب
۲۴	۰.۹۹۶	کیش خاله
۱۱	۰.۴۹۸	کوهستان
۳	۰.۲۴۴	حوریان
۶	۰.۳۷۶	دیناچال
۱۲	۰.۵۲۲	رودکنار
۱۰	۰.۴۶۹	سیمبری خاله
۵	۰.۳۳۶	آلکام
۱۴	۰.۵۶۸	قلم باغ آلکام
۱۵	۰.۵۹۵	مقدمی محله آلکام
۴	۰.۲۸۹	خلخالیان
۲	۰.۱۴۴	نوکنده
۷	۰.۳۹۸	سندیان

۱	۰.۰۸۶	اردجان
۹	۰.۴۴۵	پیلمبرا
۱۷	۰.۶۵۴	جنبه سرا
۱۸	۰.۶۷۳	بره سرا
۸	۰.۴۲۱	صیقل سرا
۱۹	۰.۷۴۴	سنگده پائین
۱۶	۰.۶۲۱	پیش محله

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

رتبه‌بندی بر اساس ارزش Q صورت گرفته است به طوری که کمترین ارزش بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است. بر همین اساس همان طوری جدول ۵ نشان می‌دهد، روستای اردجان با مقدار Q (۰/۰۸۶) برخوردارترین روستا به لحاظ زیرساخت‌های گردشگری در دهستان دیناچال بر اساس شاخص‌های مورد بررسی و روستای کیش خاله با مقدار Q (۰.۹۹۶) محروم‌ترین روستا بر اساس شاخص‌های مورد بررسی است.

همچنین در ارتباط با سطح برخورداری هر یک از روستاهای مورد مطالعه که ابتدا با استفاده از تکنیک ویکور سطح-بندی شده‌اند و در مرحله بعدی با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای به ۳ سطح (برخوردار، نیمه برخوردار و محروم) تقسیم شدند. نتایج روش تحلیل خوشه‌ای k نشان می‌دهد، ۴ روستا از نظر شاخص‌های توسعه برخوردار، ۱۴ روستا در وضعیت نیمه برخوردار و ۶ روستا هم در وضعیت محروم قرار دارند (جدول ۶).

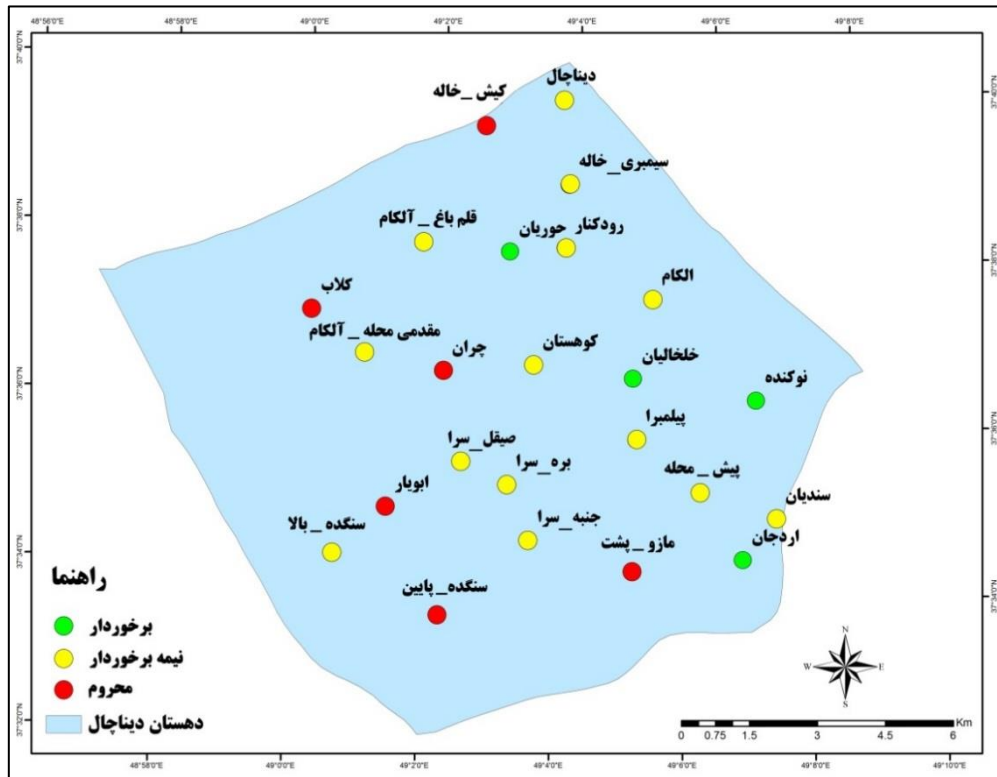
جدول ۶. سطح‌بندی میزان برخورداری روستاهای دهستان مورد مطالعه به لحاظ زیرساخت‌های گردشگری

نام روستا	تعداد روستا	سطح برخورداری	خوشه‌بندی شاخص‌های توسعه
اردجان، نوکنده، حوریان، خلخالیان	۴	برخوردار	۰/۲۸۹ - ۰/۰۸۶
آلکام، دیناچال، سندیان، صیقل سرا، پیلمبرا، سیمبری خاله، کوهستان، رودکنار، سنگده بالا، قلم باغ آلکام، مقدمی محله آلکام، پیش محله، جنبه سرا، بره سرا	۱۴	نیمه برخوردار	۰/۶۷۳ - ۰/۲۹۰
سنگده پایین، کلاب، چران، مازوپشت، آبیوار، کیش خاله	۶	محروم	۰/۶۷۴ - ۰/۹۹۶
۲۴			مجموع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علیرغم پیشرفت نسبی در سکونتگاه‌های روستایی دهستان دیناچال در سال‌های اخیر، هنوز اکثر روستاهای این دهستان از نظر امکانات و خدمات آموزشی، بهداشتی در مضیقه هستند. از طرف دیگر، اگرچه طی دوره‌های اخیر، نابرابری‌های فضایی بین نواحی روستایی در مواردی کاهش یافته، ولی به دلیل فقدان برنامه جامع توسعه روستایی، هنوز توسعه متوازن و عادلانه را به همراه نداشته است. به همین دلیل تشدید این روند مهاجرت‌های روستا - شهری و فروپاشی نظام زیستی روستاهای دهستان مورد مطالعه را به دنبال خواهد داشت.

همان طوری که جدول شماره ۶ نشان می دهد، روستاهای اردجان، نوکنده، حوریان و خلخالیان برخوردار، روستاهای سنگده پایین، کلاب، چران، مازوپشت، آبویار و کیش خاله در سطح محروم از لحاظ شاخص های توسعه قرار دارند (نقشه ۲).



شکل ۲. نقشه سطح بندی وضعیت برخورداری زیرساخت های گردشگری نقاط روستایی دهستان دیناچال

نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان داد که سکونتگاه های روستایی محدوده مورد مطالعه از لحاظ زیرساخت های گردشگری در شرایط کاملاً متفاوتی نسبت به هم قرار دارند به گونه ای که اختلاف بین روستای برخوردار و غیر برخوردار بسیار فاحش است و این ناشی از توزیع ناعادلانه خدمات و امکانات در این نواحی است. که این عدم توزیع متعادل خود می تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. سکونتگاه های روستایی دهستان دیناچال در این تحقیق در سه سطح، برخوردار، نیمه برخوردار و محروم بر اساس جدول شماره ۶ دسته بندی شدند. با در نظر گرفتن نتایج کلی حاصل از این پژوهش و همچنین به طور کلی قرار گرفتن شهرستان رضوانشهر در کنار دو شهر بزرگ انزلی و تالش از دلایل عمده در عقب ماندگی نواحی روستایی این منطقه می توان دانست به گونه ای که شهرستان رضوانشهر در دو سرشماری اخیر نسبت به سایر شهرستان های استان گیلان از شاخص های توسعه در سطح پایین تری قرار دارد و به دنبال این شرایط متقابلاً سکونتگاه های روستایی این منطقه نیز از لحاظ شاخص های برخورداری در شرایط مطلوبی قرار ندارند. همچنین قرارگیری شهر پره سر در مرکز سکونتگاه های روستایی از دیگر عوامل این شرایط می تواند باشد به طوری که نقش اقتصادی بسیار قوی این شهر خدمات و زیرساخت ها را جذب و موجب کمبود و عدم برخورداری این خدمات در نقاط روستایی شده است.

یافته‌های مدل ویکور نشان داد که روستای اردجان (۰.۰۸۶) برخوردارترین و کیش خاله (۰.۹۹۶) محروم‌ترین روستای محدوده مورد مطالعه از لحاظ شاخص‌های توسعه است. و این فاصله بین برخوردارترین و محروم‌ترین روستا نشانه نده توزیع کاملاً نامتعادل و غیرعادلانه امکانات در نواحی روستایی این منطق است. همچنین نتایج آزمون تحلیلی خوشه‌ای نشان داد که ۴ روستا (روستاهای اردجان، نوکنده، حوریان و خلخالیان) از نظر شاخص‌های توسعه در سطح "برخوردار"، ۱۴ روستا (روستاهای آلكام، دیناچال، سندیان، صیقل‌سرا، پیلمبرا، سیمبری‌خاله، کوهستان، رودکنار، سنگده بالا، قلم باغ آلكام، مقدمی محله آلكام، پیش محله، جنبه‌سرا و بره‌سرا) در وضعیت نیمه برخوردار و ۶ روستا (روستاهای سنگده پایین، کلاب، چران، مازوپشت، آبویار و کیش‌خاله) هم در وضعیت محروم قرار دارند. با توجه به مسئله مهاجرت‌های فزاینده روستا - شهری و چالش‌های شهری شدن کشور که با از بین رفتن نقاط روستایی همراه است بنابراین توجه به سکونتگاه‌های روستایی برای توسعه متوازن و آمایش محیط و نیز بستر-سازی زمینه شکل‌گیری پایداری اجتماعی و اقتصادی آنان بسیار ضروری و غیرقابل اجتناب است، به منظور رسیدن به بهینه‌ترین شیوه‌های مداخله و توزیع عادلانه خدمات جهت توسعه گردشگری، توجه به وضع موجود سکونتگاه‌ها و تعریف اولویت‌ها در محورهای مختلف امری لازم است. این پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از شاخص‌ها سکونتگاه‌های روستایی نیازمند اولویت‌گذاری بیشتری هستند و لازم است این خدمات در اولویت‌های توسعه و توزیع خدمات قرار گیرند. این بدان معنی است که با سرمایه‌گذاری بهینه در زیرساخت‌های گردشگری سکونتگاه‌های روستایی بر اساس نزدیک نمودن آن‌ها به همگنی، عدالت اجتماعی و میزان برخورداری افراد ساکن در سکونتگاه‌های مختلف را افزایش داد. براساس یافته‌ها و مطالب فوق پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد:

ارائه طرح راهبردی در توسعه و محرومیت‌زدایی سکونتگاه‌های روستایی دهستان مورد مطالعه جهت توسعه گردشگری؛

برنامه‌ریزی مبتنی بر واقعیت‌ها، در جهت کاهش شکاف و نابرابری‌ها در برخورداری زیرساخت‌های گردشگری در بین سکونتگاه‌های روستایی این دهستان؛

ارائه سازوکار توزیع زیرساخت‌های برابر و متوازن با توجه به نیازهای جمعیتی و ایجاد بازنگری در نحوه توزیع فعلی خدمات و امکانات در سطح نواحی روستایی دهستان دیناچال؛

هدایت و جهت‌گیری سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در زیرساخت‌های گردشگری سکونتگاه‌های روستایی محروم و توسعه‌نیافته؛ و

اجرای طرح‌های توسعه‌ای به ویژه طرح هادی با هدف رفع کمبودها و زیرساخت‌ها در سکونتگاه‌های روستایی این دهستان.

منابع

افراخته، حسن، ریاحی، وحید، جلالیان، حمید، سرائی، سودابه (۱۳۹۵)، ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان، آمایش سرزمین، شماره اول، ۸۱-۵۷

افراخته، حسن، ریاحی، وحید، جوان، فرهاد (۱۳۹۴)، پایداری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رضوانشهر، جغرافیا(فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۶، ۹۳-۱۱۷

بهرامی، رحمت‌اله، سنجش سطوح توسعه روستایی دهستان‌های شهرستان روانسر به روش TOPSIS، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال هشتم، شماره ۲۳، ۷۳-۸۹.
تیموری، سمانه، شکور، علی، گندمکار، امیر (۱۳۹۵)، سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس توان انسانی از دیدگاه آمایش سرزمین(مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ششم، شماره ۲۱، ۹۳-۱۰۲.

جوان، فرهاد، افراخته، حسن و ریاحی، وحید. (۱۳۹۹). توسعه پایدار، در گرو رعایت قوانین مهندسی جغرافیایی فضا (مطالعه موردی: روستاهای گردشگرپذیر شهرستان رضوانشهر). مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۴(۱)، ۱۳-۱.
حاتمی‌نژاد، حسین، منوچهری میاندوآب، ایوب، بهارلو، ایمان، ابراهیم پور، احد و حاتمی نژاد، حجت (۱۳۹۱)، شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای(مطالعه‌ی موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، ۴۱-۶۳.

حافظ‌نیا، محمدرضا، قادری حاجت، مصطفی، احمدی پور، زهرا، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، گوهری، محمد (۱۳۹۴)، طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی(مطالعه موردی: ایران)، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۹، شماره ۱، ۳۳-۵۲.

حکمت‌نیا، حسن، گیوه‌چی، سعید، حیدری‌نوشهر، نیز، حیدری‌نوشهر، مهری (۱۳۹۰)، تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از روش استانداردسازی داده‌ها، تاکسونومی عددی و مدل ضریب ویژگی(مطالعه موردی: شهر اردکان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷، ۱۶۵-۱۷۹.

داداش پور، هاشم، رستمی، فرامرز (۱۳۹۰)، سنجش عدالت فضایی یکپارچگی خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره دهم، ۱-۲۲

ریاحی، وحید، جوان، فرهاد (۱۳۹۶)، تحلیل و طبقه‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی در راستای برنامه‌ریزی راهبردی نواحی روستایی شهرستان تالش، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره سوم، ۱۴۵-۱۶۱.
ریاحی، وحید، جوان، فرهاد، حجت‌شمامی، سیروس (۱۳۹۵)، تحلیل الگوی مکانی- فضایی توسعه کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی(مطالعه موردی: دهستان گیل دولاب شهرستان رضوانشهر)، مجله مهندسی جغرافیایی سرزمین، دوره ۱، شماره ۱، ۴۰-۵۲.

ریاحی، وحیدی، قادرمرزی، حامد، حمیدی، محمد سعید (۱۳۹۴)، تحلیل فضایی نابرابری در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سقز، جغرافیا(فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۴، ۴۷-۷۲.

سازمان برنامه و بودجه استان لرستان (۱۳۹۵)، سند آمایش سرزمین شهرستان الیگودرز، معاونت هماهنگی برنامه و بودجه

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۵) سالنامه آماری استان گیلان، معاونت آمار و اطلاعات.

سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، سطح‌بندی روستاهای کشور، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: تهران.

شماعی، علی، تیموری، سمیه، بهرامی‌اصل، حسین (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی جمعیت و خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ۴۷-۶۴.

صالح‌پور، شمسی، افراخته، حسن (۱۳۹۵)، تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان غربی)، مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های

انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۶، ۱۹-۳۸.

قنبری‌هفت‌چشمه، ابوالفضل و حسین زاده دلیر، حسین (۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)، در مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) فرهنگ آبادی‌های کشور، شهرستان رضوانشهر در سال ۱۳۹۰. تهران: مرکز آمار ایران.

ملکی، سعید، احمدی، رضا، داودی منجزی، انیس (۱۳۹۳)، بررسی توزیع فضایی و رتبه‌بندی توسعه اقتصادی در شهرستان‌های استان خوزستان، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۶، ۵-۲۲.

مولائی‌هشجین، نصراله، صالحی بابامیری، چیا، (۱۳۹۵)، مدل پیشنهادی راهبرد مهندسی جغرافیایی فضا در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای ایران، مهندسی جغرافیایی سرزمین، سال اول، شماره اول، ۱-۱۲.

مهدوی، داوود، امیری، آرمن (۱۳۹۵)، ارزیابی و سطح‌بندی روستاهای شهرستان کیار بر اساس میزان بهره‌مندی از شاخص‌های خدماتی و زیرساختی، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال ششم، شماره ۴، ۱۰۹-۱۳۱.

یاسوری، مجید، امامی، سیده فاطمه، سجودی، مریم (۱۳۹۵)، عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۴۱، ۹۵-۱۱۶.

یغفوری، حسین، قاسمی، سجاد، قاسمی، نرگس (۱۳۹۶)، بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره

۱۲۸-۱۱۴، ۱۲۶

Mishra. Ashok, El-Osta, Hisham, Gillespie, Jeffrey M (2009), Effect of agricultural policy on regional income inequality among farm households, Journal of Policy Modeling, Volume 31, Issue 3, 325-340.

Shin. Inyong (2012), Income inequality and economic growth, Journal Economic Modelling, Volume 29, Issue 5, 2049-2057

Soja, E.W. (2008). The city and justice spatial. The Conference Spatial Justice, Nanterre, Paris, March 12-1.

GUSTAFSSON. Bjorn , SAI. Ding (2009), Rank, income and income inequality in urban China, Journal China Economic Review, Volume 20, Issue 3, 497-507.